



امام هادی(ع) شاگردانی را جهت پیشبرد اهداف اسلامی تربیت کرد

امام هادی(ع) با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادها را لازم را داشتند، شناسایی کرده و آنان را جهت پیشبرد اهداف اسلامی تربیت می کرد.

امام هادی(ع) با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادها را لازم را داشتند، شناسایی کرده و آنان را جهت پیشبرد اهداف اسلامی تربیت می کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر برخی از پرتعدادترین سؤالاتی که توسط مردم از مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی پرسیده می شود را برای آگاهی مخاطبان ارائه می کند که امیدواریم مورد توجه قرار گیرد.

بخشهایی از زندگی نامه امام هادی(ع)

امام علي بن محمد الهادي (ع) در نیمه ذي الحجه سال ۲۱۲ق نزدیک شهر مدینه در روستای صریا، چشم به دنیا گشود و در ماه رجب سال ۲۵۴ق در سرّ من رأی (سامرا) توسط معتز عباسی به شهادت رسید. ایشان پس از پدر بزرگوارش ۳۳ سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند. (۱) نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه بود(۲)؛ البته مدنب، حدیث و غزال هم گفته اند. (۳) لقبهای آن حضرت را نقی، هادی، امین، طیب، نجیب، مرتضی و... ذکر کرده اند. کنیه اش ابوالحسن است و به ایشان ابوالحسن ثالث می گویند. (۴)

امام از آغاز امامت در مدینه حضور داشتند و در مدت اقامت در این شهر نقش بسیار مهمی در رهبری شیعیان ایفا کردند؛ به طوری که حکومت عباسی از موقعیت ممتاز امام احساس خطر کرده و حضور ایشان در مدینه را به صلاح ندانست، متوکل برای کنترل بیش تر امام تصمیم گرفت ایشان را از مدینه به سامرا منتقل کند. در سال ۲۳۳ ق بنابه گزارش هایی که جاسوسان از فعالیت های امام داده بودند، متوکل به یحیی بن هرثمه مأموریت داد تا این انتقال را انجام دهد. با ورود یحیی بن هرثمه به مدینه، مردم که سخت مشتاق و شیفته امام خود بودند، اعتراض خود را علنی کردند؛ به طوری که یحیی بن هرثمه اعلام کرد که کاری به امام ندارد و هیچ خطری امام را تهدید نمی کند. پس از مدتی به بهانه این که در منزل امام علیه حاکم عباسی سلاح جمع آوری می شود به خانه امام حمله بردند، ولی چیزی جز قرآن و ادعیه نیافتند. (۵)

متوکل دستور داد ایشان را در محلی که مخصوص گداها بود و به «خان الصعاليك» شهرت داشت، وارد کنند. بعد از استقرار امام در سامرا، تمامی رفت و آمدها و ارتباطات امام تحت کنترل بود. در طول مدت حضور امام در سامرا هر روز بر عظمت و محبوبیت حضرت افزوده می گشت و همه خواسته یا ناخواسته در برابر امام متواضع و خاشع بودند و سخت محترم می داشتند. (۶)

متوکل وقتی در اقدامات خود علیه امام ناکام ماند، به نزدیکان خود اعلام کرد که در کار امام درمانده شده است؛ از این رو به محدودیت و فشار اکتفا نکرد و تصمیم به کشتن امام گرفت و حتی اقداماتی هم انجام داد؛ اما پیش از آن که موفق شود، خود به هلاکت رسید. (۷)

برخی از اقدامات امام:

فراهم کردن زمینه ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می کردند. در این راستا امام هادی (ع) اقداماتی انجام داد:

(۱) بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

(ب) بشارت به ولادت حضرت حجت و مخفی بودن ولادت و هشدار این که مبدا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

(ج) کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛ به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت داده می شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛ (۸)

(د) تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه.

(ه) ارجاع سؤالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش های شیعیان؛ با توجه به انحرافات و شبهات آن روز.

مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنای نادرست، امامان معصوم را تا مقام خدایی بالا می بردند. امام هادی (ع) آنان را از گروه شیعه نمی دانست حتی در نامه های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می نمود. (۹)

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام می ایستادند. امام شیعیان را از نزدیک شدن آنان برحذر می داشت. (۱۰)

تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه پرورش شاگردان و افراد شایسته بود. امام هادی (ع) نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعداد های لازم را داشتند، شناسایی کرده و آنان را جهت پیشبرد اهداف اسلامی تربیت می کرد. برخی از این افراد کسانی هستند که وکالت حضرت را عهده دار بودند. برجسته ترین این افراد عبارتند از:

۱. عبدالعظیم حسنی (ره)،

۲. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی.

۳. عثمان بن سعید عمري.

تقویت سازمان وکالت.

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و از همه مهم تر با توجه به این که امام در حصر و تحت نظارت و کنترل بود، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می بردند. به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق (ع) فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی (ع) نیاز به تمهیدات بیشتری داشت. (۱۱)

این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

۵. تبیین مقام شامخ امامت از طریق زیارت غدیریه و زیارت جامعه در زمان امام هادی (ع) باید معرفی می گردید؛ چون ائمه و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت. امام هادی پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کرد. مجموعه زیارات و ادعیه به عنوان يك دائره المعارف شیعه به حساب می آید و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

امام هادی در این زیارت شاخصه ها و پایه های اصلی شیعه را بیان فرمود. (۱۲).

پی نوشت:

۱. شیخ مفید، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۷.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. حسینی، تاریخ اهل بیت (ع)، ص ۱۲۳.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، موسسه نشر علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱.

۵. سبط بن جوزی، تذکره الخواص، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۴۸ و ۴۴۹.

۶. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۳۸۳.

۷. ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۷ (به نقل از تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۲).

۸. محمد جواد طیبی، حیاة الامام العسکری (ع)، ص ۳۲۵-۳۱۶ (با اندکی تصرف و تلخیص).

۹. اختیار معرفه الرجال، ص ۵۱۹، به نقل از تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۴.

۱۰. خوانساری، روضات الجنات، ص ۱۳۵ - ۱۳۴، به نقل از تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۴.

۱۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۱۳.

۱۲. مزارالبحار، به نقل از باقر شریف قرشی.

بخشی از فضائل امام هادی (ع)

قطب راوندی می‌گوید: خصال پسندیده امامت، فضل، علم، صفات نیکو و اخلاق حسنه امام هادی مانند پدران بزرگوارش بود. موقعی که شب فرا می‌رسید آن حضرت متوجه قبله می‌شد و مشغول عبادت و اطاعت پروردگار سبحان می‌گردید و ساعتی از عبادت باز نمی‌ایستاد. آن حضرت جبه پشمینه‌ای می‌پوشید و بالای سجاده‌ای از حصیر می‌ایستاد. [۱]

صدوق در کتاب امالی خود از ابوهاشم جعفری روایت می‌کند که گفت: یک وقت فقر و فاقه شدیدی به من روی آور شد. من به حضور حضرت هادی شرفیاب گردیدم، آن بزرگوار اجازه نشستن به من داد، همین که نشستم به من فرمود: ای ابوهاشم شکر کدام نعمت‌هایی را که خدا به تو عطا فرموده می‌توانی ادا کنی؟ ابو هاشم می‌گوید: من ندانستم چگونه پاسخ دهم ناگاه دیدم آن حضرت آغاز سخن نمود و فرمود: خدا به تو ایمان داده و به وسیله ایمان، آتش جهنم را بر بدن تو حرام کرده، عافیت و سلامتی را به تو مرحمت نموده و بدین وسیله تو را توفیق عبادت و اطاعت داده و صفت قناعت به تو مرحمت فرمود و بدین وسیله آبرو و حیثیت تو را حفظ کرده، ای ابو هاشم! من بدین لحاظ در سخن گفتن بر تو سبقت گرفتم که گمان می‌کردم تو می‌خواهی از آن خدای شکایت کنی که این همه نعمت به تو ارزانی داشته است. اکنون دستور داده‌ام که مبلغ صد دینار زر سرخ به تو بدهند، موقعی که آن مبلغ پول را به تو دادند آن را بپذیر.

یک روز یحیی بن اکثم در مجلس واثق بالله که از خلفای بنی عباس به شمار می‌رفت، حاضر شد. در آن مجلس که دانشمندان و فقیهان حضور داشتند، گفت: هنگامی که حضرت آدم اعمال حج را انجام می‌داد، چه کسی سر آن حضرت را تراشید؟ همه از پاسخ دادن به این پرسش عاجز شدند. واثق گفت شخصی هست که پاسخ آن را می‌داند، آن گاه حضرت امام هادی را حاضر نمود امام فرمود: مرا از سخن گفتن درباره این موضوع عفو نما، واثق گفت: تو را به خدا قسم می‌دهم که پاسخ این پرسش را بگویند. حضرت هادی (ع) فرمود: اکنون که دست بردار نیستی پس بدان که پدرم از جد بزرگوارم از پدرش و او از جد معظم خویش و او از پیامبر برای من نقل کرد که فرمود: آن دم که حضرت آدم، اعمال حج را بجا می‌آورد، جبرئیل یاقوتی از بهشت آورد و به سر مبارک حضرت آدم مالید. پس موهای سر آن حضرت ریختند و هر جا که بر روشنی آن یاقوت رسید آنجا را جز حرم قرار دادند. [۲]

در کتاب جنات الخلود آمده است که حضرت امام علی النقی (ع) در نهایت جلالت، وقار، کرم و اعتبار بوده. آن حضرت به قدری محبوب بود که به صورت کسی نگاه نمی‌کرد، بر مطلبی اصرار و ابرام نمی‌نمود. بلند سخن نمی‌گفت، مایل نبود در صدر مجلس بنشیند ولی دیگران همیشه آن بزرگوار را به جهت جلالت و نجابتی که داشت، در صدر مجلس جای می‌دادند. [۳]

امام علی النقی (ع) در گفتار شگرف و ژرف خویش در زیارتی به نام زیارت جامعه، از دریای دانش خود ما را بهره‌مند ساخته است و بزرگان اهل علم، این زیارت را بهترین زیارت دانسته‌اند. شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در کتاب

تهذيب الاحكام اين زيارت را نقل کرده‌اند. اين زيارت در كتاب مفاتيح الجنان به زيارت جامعه موسوم است.

با آنکه اختناق و ستم در زمان اين امام همام، از حد فزون بوده است، در عين حال برخي از مشتاقان توانسته‌اند به قدر ظرفيت خویش از امام کسب فيض نمايند. شيخ طوسي ۱۸۵ نفر از کساني را که از امام هادي روايت کرده‌اند، نام مي‌برد که در ميان آنها چهره‌هاي درخشاني به چشم مي‌خورد مانند:

الف) حضرت عبدالعظيم حسني که در شهر ري مدفون است و امام هادي(ع) درباره ثواب زيارت قبر او مي‌فرمايد: اگر کسي قبر عبدالعظيم را زيارت کند، مثل کسي است که قبر امام حسين(ع) را زيارت کرده است.

ب) حسين بن سعيد اهوازي که از ياران امام رضا و امام جواد و امام هادي(ع) بود و اهل کوفه بوده است ولي به همراه برادرش به اهواز منتقل شد و از آنجا به قم رفت و در قم دار فاني را بدرود گفت.

ج) فضل به شاذان که از اکابر متکلمان و افاضل مفسران و محدثان بوده است و در زمان امام عسکري از دنيا رفت و قبرش در يك فرسخي نيشابور فعلي، زيارتگاه شيعيان است. [۴]

حضرت علي النقي(ع) در سال ۲۵۴ هجري در روز سوم ماه رجب به دست متوکل، مسموم شده و به شهادت رسيد. امام حسن عسکري بر جنازه پدر نماز خواند و حضرت را در سامرا در خانه خویش به خاک سپرد.

در پايان اين گفتار دل‌هايمان را به يکي از گفتار دلنشين اين امام همام منور مي‌کنيم: حضرت فرمود: "الدنيا سوق ريح فيها قوم و خسر الاخرون؛ دنيا بازاری است که گروهی در آن سود مي‌برند و گروهی زیان. [۵]

اگر ما معرفت خود را نسبت به ائمه و تعاليم گوهربارشان بيشتري سازيم و سفارش‌هاي آن بزرگواران را به کار بينديم حتماً از گروهی هستيم که در دنيا سود جسته و در آخرت خرسند و شاد هستند. خداوند توفيق عمل کردن به دستوره‌اي بزرگان دين را به همه ما مرحمت فرمايد.

پاورقي:

[۱] ستارگان درخشان، ج ۱۲، ص ۱۹.

[۲] همان، ص ۲۳.

[۳] همان، ص ۴۹.

[۴] منتهي المقال، ص ۲۴۲.

[۵] تحف العقول، ص ۳۵۸.